

گزارش البرادعی و تبلیغات دوجانبه

انتشار گزارش البرادعی در باره طرح‌های هسته‌ای ایران، موجب برداشت‌های دوگانه‌ای در ایران و غرب شده است. ایران گزارش را گواه مسالمت آمیز بودن برنامه‌های خود می‌داند. کشورهای غربی اما خواستار تشدید تحریم‌ها علیه ایران‌اند.



هوشنگ امیر احمدی

چشم انداز پرونده اتمی ایران پس از انتشار این گزارش، موضوع مصاحبه دویچه وله با دکتر هوشنگ امیراحمدی تحلیلگر سیاسی و استاد دانشگاه راتگرز در آمریکا است.

دویچه‌وله: مسئولان جمهوری اسلامی تبلیغات زیادی روی گزارش آقای البرادعی کرده و آن را یک موفقیت برای ایران به حساب می‌آورند. خبر تامین سوخت نیروگاه بوشهر از طرف روسیه در همین چارچوب اعلام شد. ممکن است موج تبلیغاتی دیگری نیز برای وجه دیگر این گزارش از سوی غرب به راه بیفتد؟

هوشنگ امیراحمدی: این موج هم اکنون شروع شده و آمریکاییان همین الان می‌گویند این گزارش برخلاف نظر ایران، چیز تازه‌ای ندارد، ایران شفافیت کامل در همکاری با آژانس نداشته است و همه چیز هنوز در خانه اول جدول است. به نظر من این دو ادعای متفاوت از سوی ایران و جهان غرب، نشان‌دهنده دو دید متفاوت از پرونده هسته‌ای است. دید ایران از پرونده اتمی، همان دید ۴-۵ سال اول مناقشه و قبل از رفتن پرونده اتمی‌اش به شورای امنیت است. آن موقع بحث اصلی سر این بود که ایران دروغ می‌گوید و فعالیت‌هایش مشکوک است. اما پس از رفتن پرونده ایران به شورای امنیت، طبیعت این بحث عوض شد. بحث از عدم شفافیت، به موضوع غنی سازی تغییر یافت. الان تکیه اصلی آمریکا روی اینست که شما غنی سازی می‌کنید، آن هم با شفافیت و ما با این مشکل داریم.

چین روز جمعه اعلام کرد که در نشست روز دوشنبه‌ی گروه ۵ به علاوه ۱ شرکت نمی‌کند و این غیبت موجب لغو جلسه شد. چه محاسباتی می‌تواند در این کار منظور شده باشد؟

البته چینی‌ها گفتند نماینده‌شان وقت نداشته و آشکارا نگفتند که قصد لغو جلسه را داشته‌اند. تقاضا کردند که جلسه کمی عقب بیفتد. اینکه چینی‌ها بهانه تراشی کرده باشند و بخواهند زمان بخرند، یک سوی کار است اما مشکل پرونده، با خریدن یکی دو هفته حل نمی‌شود. عدم شرکت چین یا روسیه در نشست‌ها، برای آمریکا یک امتیاز است. جنگ طلب‌ها و تندروهای آمریکایی خوشحال خواهند شد که اصلاً روسیه و چین، شورای امنیت را ترک کنند. در این صورت دیپلماسی تمام می‌شود و بحث، به سمت ایران و آمریکا می‌رود و آمریکا احیاناً یک "انتلاف داوطلبانه" علیه ایران ایجاد و احیاناً اروپایی‌ها را با خود همراه خواهد کرد. بازی چین و روسیه در این میان می‌تواند خطرناک باشد. به نظر من روسها و چینی‌ها باید در این مرحله بمانند و آمریکا را در شرایطی قرار ندهند که دنبال آلترناتیوی غیر از شورای امنیت و دیپلماسی برود. مانند چین و روسیه، اروپایی‌ها را تشویق خواهد کرد که جریان هسته‌ای را کماکان در چارچوب دیپلماتیک نگهدارند. شاید اگر ایران همکاری بیشتری هم بکند، این پرونده را به آژانس برگردانند.

موضع انگلستان در قبال پرونده هسته‌ای ایران، مانند آمریکا سرسختانه است و فرانسه هم پس از ریاست جمهوری سرکوزی، هرچه بیشتر به آمریکا نزدیک می‌شود. نقش آلمان شاید چندان پررنگ نباشد، چون این کشور عضو شورای امنیت نیست. شما چگونه از تشویق اروپا به حمایت از ایران صحبت می‌کنید؟

بله. مشکل اینجاست که فرانسه که قبلاً از ایران جانبداری می‌کرد، الان با سیاست آقای سرکوزی، دچار نوعی رقابت با بریتانیا در نزدیکی با موضع آمریکا شده است. انگلستان هم برای اینکه مبدا فرانسه جای اتحادش با آمریکا را بگیرد، مدام موضع‌اش را در قبال ایران تندتر می‌کند. آلمان اما دچار دو مشکل است. آلمان نمی‌تواند فرانسه و انگلستان را تنها بگذارد و باید به هر ترتیب نشان دهد همراه آنهاست. همراهی با آنها هم یعنی نزدیکی بیشتر با آمریکا. اما دولت آلمان انتلافی است و درون خودش مشکلات زیادی برای نزدیکی با آمریکا دارد. دولت آلمان در این صورت در داخل، دچار تشنج خواهد شد. من فکر می‌کنم استراتژی خانم مرکل این بشود که آلمان با اروپایی‌هاست اما مواضع‌اش با آمریکا، همان مواضع قبلی است. با اروپا بودن اما به معنای نزدیک شدن به اروپا هم هست و این به ضرر ایران خواهد بود. آلمان در گذشته هم یک نیروی موازنه بخش بوده و با وجودی که عضو شورای امنیت نیست، به دلیل قدرت اقتصادی و وزنش در اروپا، همیشه نقشی تعیین کننده در معادلات سیاسی اروپا و آمریکا داشته است.